

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله

افزایش نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی

و پیشنهاداتی برای رفع آنها

عبدالله کریمی، کارشناس ارشد ریاضی کاربردی

چکیده مقاله

در مقدمه شرایط و وضعیت کنونی اقتصاد کشور ترسیم شده و برخی سیاستهای نادرست معرفی شده است. در ادامه عملکرد سیستم بانکی در افزایش نقدینگی، ایجاد تورم مضاعف و کاهش ارزش پول ملی که چرخه ای باطل را ساخته و در طول تمام دولتها به اجرا درآمده، مورد بررسی قرار گرفته است. جدولها و نمودارهایی طراحی شده و روند افزایش نقدینگی و تورم و بازی دولتمردان با ارزش نقدینگی مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه نکاتی در مورد نرخ دلار و محاسبه ارزش کنونی آن با دوروش نسبت تورم و نسبت نقدینگی ارائه شده است. در عنوان بعدی تأثیر جهش های ارزی بر صنایع و جذب سرمایه گذار خارجی بصورت اجمالی مورد بحث قرار گرفته است. نتیجه هایی که بطور مستقیم و غیر مستقیم در مورد فزونی نقدینگی و کاهش ارزش پول ملی به دست آمده، در عنوانی در اختیار مخاطبین گرامی قرار داده شده است. در بحث آخر پیشنهاداتی برای بهبود اوضاع مطرح شده است.

از همه خوانندگان عزیز تقاضا دارم تمامی مطالب را با دقت مطالعه بفرمایند، اما تأکیداً خواهشمندم مطالعه بخش نتیجه گیری و پیشنهادات حتماً صورت پذیرد. با تقدیم احترام

ترسیم شرایط اقتصادی کنونی

وضعیت ناگوار اقتصادی کشور امروزه بسیار مورد بحث قرار می‌گیرد. دولتمردان، نمایندگان مجلس و شخصیت‌ها و اقتصاددانان کشور اوضاع وخیم اقتصادی را در رسانه‌های گوناگون بیان کرده‌اند و عموم مردم آنها را با همه وجود لمس می‌کنند. دولتمردانی از طیف‌های مختلف سیاسی در طول سالیان متمادی بر سر کار آمده‌اند و کوشیده‌اند تا کشور را اداره کنند. آنها تلاش کرده‌اند دسته‌ای از مشکلات موجود را به مواردی مانند تحریم‌ها نسبت دهند، هر چند در برهه‌هایی تحریم‌ها کاغذ پاره یا بی‌اثر هم نامیده شده‌اند. اما با نگاه عمیق متخصصان و اقتصاددانان به اقتصاد کشور این موضوع حساس و مهم مطرح می‌شود که اغلب مشکلات منشأ داخلی دارند و در اثر سیاست‌های نادرست اقتصادی به وجود آمده‌اند. سیاست‌های نادرست و ناکارآمد در سیستم بانکی، موجب تضعیف پول ملی در سالیان متوالی می‌شود. مردم ایران اصطلاحاً همواره باید به دنبال تورم بدون‌تایید باشند تا شاید بتوانند بر آن فائق شده و برای خود مسکن، خودرو و سایر کالاها را تهیه کنند. سیاست‌های ناعادلانه در صنایع مختلف موجب ایجاد رانت برای گروهی از افراد خاص شده و به پایمال شدن حقوق ملت ایران منجر می‌شود. سیاست‌های اشتباه در صنعت خودرو موجب می‌شود مردم ایران خودروهای کم‌کیفیت را با قیمت‌های بسیار گزاف تهیه کنند. دولت‌ها شدیداً تمایل به بنگاهداری دارند و از خصوصی‌سازی به معنی مردمی‌سازی گریزانند و در عوض تا جایی که بتوانند خصولتی‌سازی می‌کنند. گاهی با مشاهده مجموع این موارد احساس می‌شود در میان دولتمردان ایرانی اراده‌ای برای اصلاح ساختارهای اقتصادی وجود ندارد، اما اگر نتوانیم ساختارهای اقتصادی را اصلاح کنیم هرگز به عدالت دست پیدا نمی‌کنیم. در حالیکه در قرآن و آموزه‌های دینی اهمیت زیادی به قسط و عدالت داده شده و هدف از بعثت پیامبران برپایی قسط و عدل بیان شده است. در شرایطی که در یک جامعه قسط و عدالت برپا نشود، مردم برای به دست آوردن درآمدهای پاک و روزی حلال و گذران زندگی معذب خواهند بود و سفله‌پروری در چنین محیطی رونق گرفته و موجب فروپاشی اخلاقی، ماهوی و وجودی یک جامعه خواهد شد.

آمارهایی که در کشور ارائه می‌شود نشانگر این است که ایران کشوری ثروتمند است و دولت ایران از توانایی بسیار زیاد مادی برخوردار می‌باشد. در دولت نهم و دهم حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار درآمدهای ارزی از محل فروش نفت و سایر محصولات نفتی و غیر نفتی عاید دولت شده بود. و در دولت فعلی تاکنون این رقم حدود ۴۰۰ میلیارد دلار است. یعنی در این ۱۳ سال کشور حدود ۱۴۰۰ میلیارد دلار درآمد ارزی داشته و متأسفانه این کیفیت اداره کشور است! و جای تأسف عمیق این است که این ثروتها بصورت عادلانه تقسیم نشده‌اند و در حال حاضر گروه‌های کثیری از مردم با مشکلات معیشتی درگیر هستند. جوانان تحصیلکرده فراوانی اشتغال ندارند و جمعیت بزرگی از جوانان ازدواج نکرده و از مسکن برخوردار نیستند. اگر امروز حدود یک سوم این ارقام را در صندوق ذخیره ارزی پس‌انداز می‌کردیم امروز حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ میلیارد دلار در صندوق ارز داشتیم که همین امر موجب می‌شد بیگانگان جرأت تحریم ایران را -مخصوصاً پس از برجام- نداشته باشند. همچنین با تکیه بر چنین منبع عظیمی به

شرط توزیع عادلانه ثروتهای عمومی هیچکدام از مشکلات اقتصادی مانند فزونی نقدینگی و نیز مشکلات اجتماعی بوجود نمی آمدند. آماري که اینروزها از ذخایر طلای بانک مرکزی و ذخایر ارزی ارائه می شود نشان دهنده این است که دولت ایران حدود ۱۳۰ میلیارد دلار ذخایر دارد که با پشتوانه قراردادن آن می تواند کارهای شگرفی مانند تثبیت ارزش پول ملی را انجام دهد.

سیستم بانکی، افزایش نقدینگی، تورم مضاعف، کاهش ارزش پول ملی

زمانی که در دولت نهم و دهم میزان نقدینگی در طول هشت سال از حدود ۷۰ تریلیون (هزار میلیارد) تومان به حدود ۴۷۰ تریلیون تومان رسیده بود، یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری برای دور یازدهم از این وضعیت انتقاد می کردند. ایشان پیروز انتخابات شدند اما سیاست ها ظاهراً تغییری نیافتند و تا امروز نقدینگی تا حدود ۱۶۰۰ تریلیون تومان افزایش پیدا کرده است. نتیجه می گیریم که این تغییر اشخاص مثلاً در رأس ریاست بانک مرکزی نیست که می تواند نقدینگی را مهار کند بلکه تغییر سیاستهاست که می تواند چنین امری را محقق سازد و تا زمانی که سیاست ها تغییر پیدا نکنند امورات بر همین منوال خواهد گذشت. در طول سالهای پس از انقلاب که مورد بررسی ماست، نقدینگی همواره بیشتر و بیشتر و البته پول ملی رفته رفته بغیر از مقطعی بی ارزش تر شده و در برابر ارزهای خارجی مانند دلار و یورو ارزش خود را از دست داده است. در اوایل دهه نود یکبار ارزش پول ملی تا حدود دو سوم ارزش خود را از دست داد و امسال - سال ۹۷- نیز همین اتفاق دوباره تکرار شد که در نهایت موجب شده تا ارزش پول ملی نسبت به ۱۰ سال قبل تقریباً یک دهم شود. تأثیر این سیاست در قیمت ها قابل مشاهده است. قیمت اغلب کالاها از قبیل مسکن نسبت به ۱۰ سال قبل تقریباً ۱۰ برابر شده. قیمت طلا و سکه با در نظر گرفتن قیمت ارزهای مهم به همین شکل افزایش را تجربه کرده است. این نتیجه سیاستی بوده که بانکهای مرکزی ما اتخاذ کرده اند. اینکه چنین سیاستی چقدر توانسته عدالت را - که از اصول بنیادی اسلام و شیعه و اصول مهم انسانی است- در کشور اقامه کند جای پرسش دارد. به ادعای اقتصاددانان کشور یکی از مواردی که موجب افزایش بی رویه نقدینگی و کاهش ارزش پول ملی و گرانتر شدن قیمت کالا و خدمات به همان نسبت می شود، پرداخت سود با نرخ بالا برای سپرده توسط بانک ها است. این سیاست اگرچه نتوانسته موفقیتی کسب کند اما اجرای آن هر چند بعنوان سیاستی ناکارآمد و تکراری در میان مدیریت عوام فریب و غیر علمی بانکهای کشور و بانک مرکزی محبوب و البته کم هزینه برای این مدیران بوده است. یک پرسش مهم این است چرا چنین سیاستی ادامه پیدا می کند؟ شاید جایگزین کردن سیاستی دیگر که معمولاً در بانکهای کشورهای توسعه یافته اجرا می شود و در آن نقش بانکها در حد بانکداری است - و نه بنگاهداری و دلالی طلا و ارز و املاک و ساختمان- عملی بسیار پیچیده و غیر قابل اجرا شدن، باشد!! شاید تلقی این باشد که نوع سیاستهای آنها که سود سپرده در حدی ناچیز است و نرخ وام اعطا شده در حد زیر ۵ درصد سالیانه، حرام است اما نوع بانکداری ما با پرداخت سود ۱۵ الی ۲۰ درصد سالیانه برای سپرده و دریافت نرخ ۱۸ الی ۲۶ درصد سالیانه از وام گیرنده حلال است!! اما نظرات آیات عظام جوادی آملی و مکارم شیرازی و نوری همدانی و سایر مراجع بزرگوار و تاکید چندین باره آنها بر ربوی بودن سیستم بانکی چنین موضوعی را تأیید نمی کند. با این وجود دولتمردان ما ظاهراً هنوز متوجه فساد چنین سیستمی نشده اند و تلاشی برای رفع ایرادات اساسی سیستم بانکداری ربوی که منجر به اقتصاد ربوی می شود نکرده اند. در حقیقت کارکرد ربا در یک سیستم اقتصادی و بانکی انتقال ثروت ها و دارایی ها به رباخواران است و علت

حرمت آن در دین مبین همین است. اگر سیستم بانکی ربوی فعلی و شیوه مدیریت بانک مرکزی کنونی در کشور ادامه پیدا کند شاید چند سال بعد، سیستم بانکی همه کشور را تقدیم ابرسپرده گذاران و دلالتان طلا و ارز بکند و به مردم ایران بگویند این کشور مال معدود ابرسپرده گذاران و دلالتان طلا و ارز است و شما باید کشور را ترک کنید! به این آمار دقت کنید. در مطلبی که در روزنامه خراسان [1] منتشر شده، آمده است: «سید احسان خاندوزی اقتصاددان و مدیر دفتر امور اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس در نشست با عنوان تئوری تحریم اقتصادی که به تازگی در موسسه دین و اقتصاد، برگزار شد، آماری جالب توجه در خصوص سپرده های بانکی ارائه کرد ... به گزارش جماران، دکتر خاندوزی اظهار کرد: هم اینک ۲۰.۵ درصد از سپرده گذاران کشور، ۸۵ درصد ارزش و مبلغ سپرده های بانکی کشور را در اختیار دارند.» در قسمت دیگری از مطلب آمده است: «اظهارات این اقتصاد دان در حالی است که هم اینک به دلایل غیر مستقیم نظیر نگر داشتن منابع و سپرده ها در نظام بانکی و تراز کردن ترازنامه پر زیان بانک ها، نرخ سود سپرده ها به طور غیر واقعی بالا نگه داشته شده است. این به معنای سودهای بادآورده، کلان و روزافزون دانه درشت های بانکی، آن هم در شرایط وخامت حال نظام اقتصادی و بانکی کشور است. در این زمینه، برخی محاسبات نشان می دهد که در سال ۹۶، نظام بانکی در حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان سود به صاحبان سپرده های بانکی - و نیز صاحبان اوراق سپرده- پرداخت کرده که حدود پنج برابر کل یارانه نقدی پرداختی به ایرانیان در یک سال- حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان- است. اگر ۸۵ درصد سودهای بانکی را طبق آمار اعلامی دکتر خاندوزی، متعلق به ۲۰.۵ درصد سپرده گذاران کلان بانکی بدانیم، می توان گفت که سهم این افراد از سود توزیع شده بانک ها، رقمی معادل با ۱۷۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. در اختیار گرفتن منابعی با این ارقام، قطعاً به ایجاد شرایط ویژه اقتصادی برای افراد یاد شده منتهی خواهد شد که همان طور که خاندوزی تصریح کرده است باید برای کنترل رفتار اقتصادی این افراد، مقررات ویژه ای تنظیم شود.»

نتیجه سیاست پرداخت سود بالا به سپرده ها که عمده قسمت آن به جیب ۲۰.۵ درصد ثروتمند جامعه اضافه می شود و در اغلب کشورهای توسعه یافته معمول نیست، تنبیه شدید عموم مردم با تورم های بالا و کاهش ارزش پول ملی گاه تا یک سوم در یک برهه زمانی است.

البته همانطور که واقف هستید همه دولتها در ایران در نوبه خود به اندازه زیادی نقدینگی تولید کرده اند. در جدول زیر روند افزایش نقدینگی برای دوره های دولتهای جمهوری اسلامی ایران نشان داده شده است.

این جدول در اکسل طراحی شده و داده های آن از دو منبع [۲] و [۳] که مبتنی بر آمارهای بانک مرکزی هستند اخذ شده اند.

جدول شماره ۱ - در این جدول مقادیر نقدینگی به میلیارد تومان است.

دوره	دوره ابتدای نقدینگی هزار	دوره انتهای نقدینگی هزار	رشد هزار	سال	ساله رشد هزار	ساله رشد درصد	دوره تورم هزار	تورم سالانه مانگی	سالانه مانگی درصد
سال 60-1358	258	438	1.70	2	1.3032	30.32	1.3758	1.1729	17.29
دوره 60-68	438	1,621	3.70	8	1.1777	17.77	3.8605	1.1839	18.39
دوره 68-76	1,621	11,511	7.10	8	1.2777	27.77	5.8714	1.2476	24.76
دوره 76-84	11,655	70,459	6.05	8	1.2522	25.22	3.0290	1.1486	14.86
دوره 84-92	70,459	472,837	6.71	8	1.2687	26.87	4.4192	1.2041	20.41
دوره 92-97	472,837	1,580,000	3.34	5	1.2729	27.29	1.5453	1.1150	11.50
سال انتهای 58 تا 97	257,9000	1,580,000	6126.41	39	1.2506	25.06	792.1515	1.1867	18.67

در جدول بالا مقدار رشد نشانگر این است که مقدار نقدینگی انتهای دوره چند برابر مقدار نقدینگی ابتدای دوره شده است. همچنین مقدار رشد سالانه نشانگر این است که بطور متوسط نقدینگی در هر سال چند برابر شده است و درصد رشد سالانه نشانگر

درصد افزایش در یک دوره است. همچنین در جدول بالا مقدار تورم دوره نشانگر میزان تورم نسبت به ابتدای دوره است. میانگین سالانه تورم نشان دهنده مقدار میانگین تورم برای یک سال از آن دوره است. و درصد میانگین سالانه تورم نشانگر درصد تورم متوسط می باشد.

با توجه به جدول بالا کمترین میزان افزایش نقدینگی مربوط به دولت زمان جنگ تحمیلی است. در این دوره میزان نقدینگی نسبت به ابتدای دوره ۳۰۷ برابر شده است. یعنی در طول ۸ سال بطور متوسط نقدینگی نسبت به ابتدای دوره سالانه ۱۷.۷۷ درصد افزایش داشته است. بیشترین افزایش مقدار نقدینگی مربوط به دولت سازندگی است که در آن بازه زمانی مقدار نقدینگی ۷۰۱۰ برابر شده و در طول ۸ سال بطور متوسط نقدینگی نسبت به ابتدای دوره سالانه ۲۷.۷۷ درصد افزایش داشته که تا امروز رکورد دار بوده است. دولت اصلاحات از نظر کم بودن میزان افزایش نقدینگی در دومین جایگاه قرار دارد. مقدار نقدینگی در این دوره ۶۰۵ برابر شده و در طول ۸ سال بطور متوسط نقدینگی نسبت به ابتدای دوره سالانه ۲۵.۲۲ درصد افزایش داشته است. در دولت مهرورزی مقدار نقدینگی ۶۰۷۱ برابر شده و در طول ۸ سال نقدینگی بطور متوسط نسبت به ابتدای دوره سالانه ۲۶.۸۷ درصد افزایش داشته است. دولت مهرورزی از این نظر تا امروز در جایگاه ماقبل آخر قرار دارد و بستگی به این دارد که دولت اعتدال چگونه عملکردی داشته باشد. با توجه به عملکرد ۵ ساله دولت کنونی که در آن نقدینگی نسبت به ابتدای دوره ۳۰۳۴ برابر شده، نتیجه این است که در طول ۵ سال بطور متوسط نقدینگی نسبت به ابتدای دوره سالانه ۲۷.۲۹ درصد افزایش داشته است که از این حیث در رتبه ای پایین از دولت مهرورزی قرار دارد. اگر دولت کنونی همین سیاستها را اجرا کند و نتواند اصلاحاتی در این زمینه انجام دهد بعد از دولت سازندگی دومین رکورد دار افزایش نقدینگی خواهد بود. در پایان دوره ۸ ساله مقدار نقدینگی ۶۰۸۹ برابر خواهد شد و رقم آن به ۳,۲۵۸,۵۵۱ میلیارد تومان یا ۳۲۵۸ تریلیون تومان خواهد رسید.

بررسی عملکرد دولتهای پس از انقلاب در مورد روند افزایش نقدینگی نشان دهنده این است که در مدت تقریباً ۳۹ ساله نقدینگی به نسبت ابتدای دوره ۶۱۲۶ برابر شده است که در طول این مدت نقدینگی بطور متوسط نسبت به ابتدای دوره سالانه ۲۵ درصد افزایش داشته است. مطابق یک بررسی که در روزنامه دنیای اقتصاد [۳] به چاپ رسیده، جداولی درج شده که در یکی از آنها روند افزایش نقدینگی در ایران و در دیگری کشور ایالات متحده مورد بررسی قرار گرفته است. در دوره زمانی سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۱ مقدار نقدینگی در کشور ۱۵۰۳ برابر شده است. در حالیکه در کشور ایالات متحده در دوره متناظر ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲ مقدار نقدینگی ۶۰۳ برابر شده است. اگر همانند جدول فوق متوسط افزایش سالانه نقدینگی را برای ایالات متحده محاسبه کنیم، این رقم برابر ۱۰۶ خواهد بود. یعنی بطور متوسط در این کشور سالانه کمتر از ۶ درصد رشد نقدینگی وجود داشته است در حالیکه این رقم در ایران برای مدت مشابه تقریباً ۲۵ درصد است. این وضعیت نشانگر این است که تمام دولتهای پس از انقلاب مخصوصاً پس از دوران جنگ تحمیلی در مهار نقدینگی در مقایسه با اقتصادهای پیشرفته دنیا چندان موفق نبوده اند.

در یک مطلب که در ایسنا [۴] منتشر شده، آمده است « در آخرین آمار مربوط به سال گذشته حجم نقدینگی به مرز ۱۵۳۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. از این رقم حدود ۱۴۸۵ هزار میلیارد تومان آن مربوط به مجموع سپرده‌هایی است که مردم در قالب

سپرده‌های بلندمدت و کوتاه مدت در بانک‌ها قرار داده‌اند. ... در سال ۱۳۹۲ سپرده‌های بانکی به ۶۰۶ هزار میلیارد تومان رسیده بود که در ادامه به ۷۴۷ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۳، ۹۸۰ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۴ و ۱۲۱۴ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵ رسیده است. ... از رقم ۱۴۸۵ هزار میلیارد تومانی سپرده‌های بخش غیردولتی در بانک‌ها حدود ۱۵۰ هزار میلیارد تومان آن سپرده‌های کوتاه‌مدت و تا ۱۲۳۳ هزار میلیارد تومان مربوط به سپرده‌های مدت‌دار است. این در حالی است که سود پرداختی به حساب‌های کوتاه‌مدت حدود ۱۰ درصد و برای مدت‌دار به ۱۵ درصد می‌رسد، مابقی در بخش قرض الحسنه با حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان و سایر بخش‌ها سپرده شده است.» این مطلب موید آن است که بیشترین حجم نقدینگی بر اثر پرداخت سود بانکی به سپرده‌ها تولید می‌شود و دولت باید سیستم بهتری را برای مدیریت بانکها و بانک مرکزی و کلیت اقتصاد و نیز کنترل نقدینگی در کشور تدارک ببیند. اینکار ریسک‌های سیاسی خود را دارد که شجاعت، تسلط به علم روز اقتصاد و تخصص و تعهد کافی مجموعه دولت و مجلس و سایر نهادهای فعال در عرصه اقتصاد را می‌طلبد. ادامه چنین روشی که منجر به تورمهای شدید و کاهش شدید ارزش پول ملی و نیز جهش قیمت‌ها در برخی برهه‌های زمانی می‌شود، قطعاً نمی‌تواند شیوه مناسبی باشد و در شأن جمهوری اسلامی نیست. اگر با نوع نگاه دیگری به نقدینگی و ارزش آن بر اساس دلار و نمودارهای مربوط به آن بنگریم متوجه می‌شویم که دولت‌مردان در دو دولت اعتدال و مهرورزی چگونه با نقدینگی که خود در یک چرخه معیوب ساخته اند بازی می‌کنند. هدف از این کار صرفاً پایین آوردن ارزش پولها و نقدینگی‌هایی است که قسمتی در دست مردم بوده و قسمتی در بانکها اصطلاحاً پارک شده است.

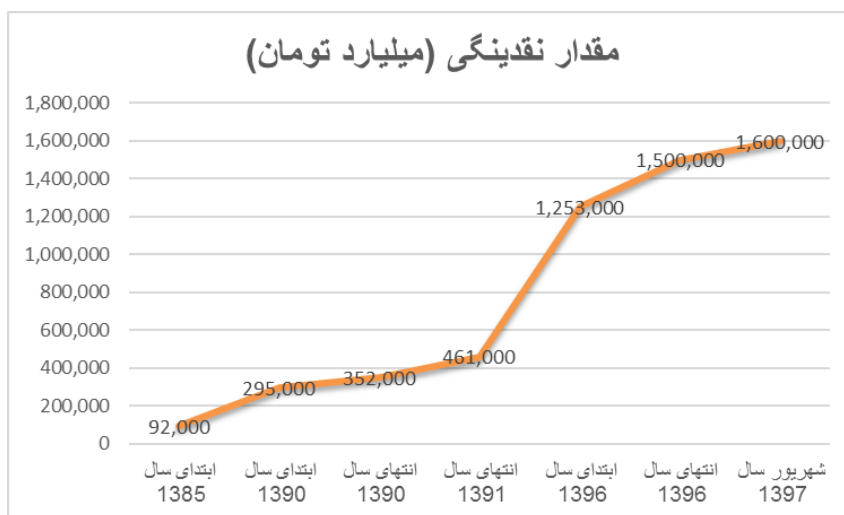
سال	مقدار نقدینگی (میلیارد تومان)	قیمت دلار	ارزش نقدینگی با دلار (میلیارد دلار)
سال ابتدای ۱۳۸۵	92,000	922	99.78
سال ابتدای ۱۳۹۰	295,000	1,046	282.03
سال انتهای ۱۳۹۰	352,000	1,541	228.42
سال انتهای ۱۳۹۱	461,000	3,390	135.99
سال ابتدای ۱۳۹۶	1,253,000	3,800	329.74
سال انتهای ۱۳۹۶	1,500,000	4,800	312.50
سال شهریور ۱۳۹۷	1,600,000	8,000	200.00

همانطوریکه در جدول (۲) مشاهده می‌کنید در ابتدای سال ۱۳۸۵ - سال شروع دولت اصولگرایان - مقدار نقدینگی تقریباً مبلغ ۹۲۰۰۰ میلیارد تومان، قیمت دلار ۹۲۲ تومان و ارزش آن مقدار نقدینگی بر اساس دلار، ۹۹.۷۸ میلیارد دلار بوده است. تا ابتدای سال ۱۳۹۰ مقدار نقدینگی به رقم ۲۹۵۰۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است در حالیکه در آن ۵ سال کشور دارای تورم ۱۰۷ درصدی بوده اما قیمت دلار تفاوتی اندک یعنی ۱۳.۴ درصد داشته و به مبلغ ۱۰۴۲ تومان رسیده است. این موضوع باعث شده ارزش نقدینگی ۲۸۲ میلیارد دلار باشد، نتیجه چنین سیاستی در آن سالها مصرف بیش از حد کالاهای خارجی، ورشکستگی کارخانجات و حیف و میل شدن منابع ارزی کشور بوده است. در این برهه زمانی وقتی چالش‌های بین‌المللی شروع می‌شود بهانه‌ای ایجاد می‌شود تا پول ملی که بر اثر افزایش شدید نقدینگی کم ارزش شده است، در گام اول حدوداً یک سوم ارزش خود را در آخر سال ۹۰ از دست بدهد بعبارتی دلار در برابر پول ملی حدود ۵۰ درصد گرانتر می‌شود و در گام بعدی تا ۳۳۹۰

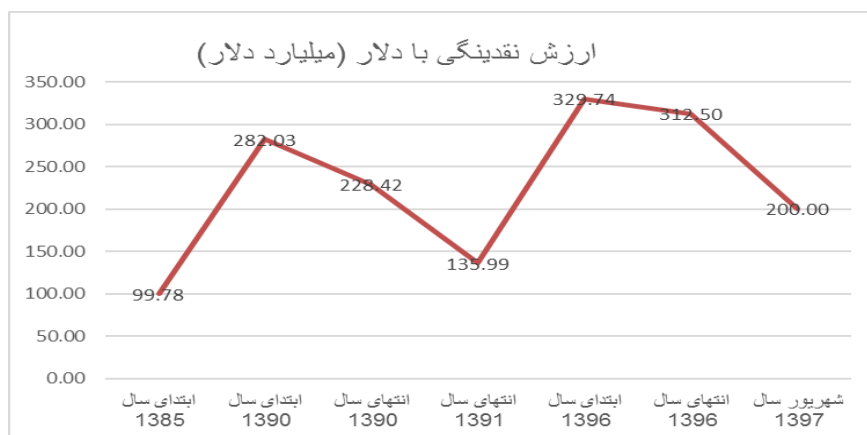
تومان در انتهای سال ۱۳۹۱ گران می شود. در این برهه در حالیکه نقدینگی تا ۴۶۱۰۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته، ارزش نقدینگی به رقم ۱۳۶ میلیارد دلار تنزل یافته است. چنین سیاستی موجب می شود دلالتان و دارندگان طلا و ارز به سرعت در مقابل جامعه ثروتمندتر شوند و اکثریت ملت فقیرتر شوند و شکاف طبقاتی عمیق در میان افراد اجتماع پدیدار شود. سیاست بالا و پایین آمدن ارزش نقدینگی موجب بی عدالتی محض بوده و طبقات متوسط را به سمت زیر خط فقر هدایت می کند و فقرا را فقیرتر می کند و در حقیقت دولت با پرداختن نرخ بالای سپرده به سپرده گذاران موجب افزایش شدید نقدینگی و در ادامه تورم و کاهش ارزش پول ملی می شود. رئیس دولت اعتدال متأسفانه هر چند سیاست افزایش نقدینگی را در ابتدا محکوم می کرد اما چون در دوره مدیریت ایشان تا به حال تغییراتی اساسی و مهم در سیاستها انجام نگرفته، در حقیقت همان سیاست ادامه یافته و دقیقاً نتیجه ای مشابه حاصل آمده است.

با توجه به جدول شماره (۲) تا ابتدای سال ۱۳۹۶ مقدار نقدینگی به رقم ۱۲۵۳۰۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته است در حالیکه در مدت ۴ سال کشور دارای تورم حدود ۵۰ درصد بوده اما قیمت دلار تفاوت اندکی داشته و به مبلغ ۳۸۰۰ تومان رسیده است. در این زمان ارزش نقدینگی بر اساس دلار ۳۲۹۰۷۴ میلیارد دلار بوده است. اما در ادامه همان شرایط در انتهای سال ۱۳۹۶ مقدار نقدینگی به رقم ۱۵۰۰۰۰۰ میلیارد تومان رسیده است. دلار تا قیمت ۴۸۰۰ تومان صعود داشته و ارزش نقدینگی تا مبلغ ۳۱۲۰۵۰ میلیارد دلار کاهش یافته است. در ادامه در سال ۹۷ نرخ ارزها همچنان صعودی بوده و دلار تا مبلغ ۱۱۰۰۰ تومان هم رسیده است اما دولت با ایجاد بازار ثانویه تلاش کرده برای واردات و صادرات دلار را در حدود ۸۰۰۰ تومان ارائه نماید که موفقیت یا عدم موفقیت آن در آینده معلوم می شود اما ما همین رقم را پایه محاسبه خود قرار داده ایم. نقدینگی همچنان افزوده شده و به مبلغ ۱۰۶۰۰۰۰۰۰ میلیارد تومان (۱۶۰۰ تریلیون تومان) در ابتدای شهریور سال ۹۷ رسیده است و در این برهه ارزش نقدینگی کل کشور با پایه دلار ۸۰۰۰ تومانی مبلغ ۲۰۰ میلیارد دلار شده است. تمام این بحثها در حالی است که در دو دولت گذشته، کشور حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار درآمد ارزی از صدور نفت و گاز و سایر صنایع کسب کرده و دولت کنونی با وجود امضای برجام و داشتن درآمدهای ارزی مناسب حدود ۴۰۰ میلیارد دلاری چنان سیاستی را ادامه داده است.

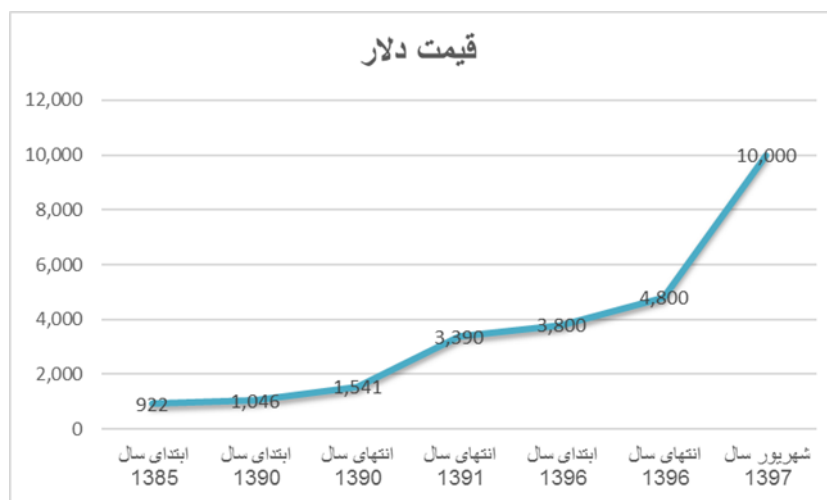
نمودارهای متناظر با جدول (۲) را در ذیل مشاهده می کنید. نمودار ارزش نقدینگی با دلار به راحتی تصویری از سیاست نامناسب و چرخه باطل افزایش نقدینگی و سپس کاهش ارزش پولی را در اختیار قرار می دهد. این در حالیست که دولت ها می توانستند به جای اجرای چنین سیاستی تدابیری را اتخاذ کنند که این تغییرات به شکل خطی با شیب ملایم ظاهر می شد.



نمودار مقدار نقدینگی از ابتدای سال ۸۵ تا شهریور ۱۳۹۷



نمودار ارزش نقدینگی بر اساس دلار



نمودار قیمت دلار بر حسب تومان از ابتدای سال ۸۵ تا شهریور ۱۳۹۷

مشابه جدول شماره ۲ را می توان برای دو دولت سازندگی و اصلاحات ترسیم کرد. نقدینگی در اوایل دولت سازندگی در سال ۱۳۶۹ مبلغ ۱,۵۶۹ میلیارد تومان بوده، قیمت دلار ۱۴۱ تومان و ارزش نقدینگی موجود بر اساس دلار ۱۱.۱۳ میلیارد دلار بوده است. در انتهای دوره دولت سازندگی یعنی در سال ۱۳۷۶ مقدار نقدینگی به رقم ۱۱,۶۵۵ میلیارد تومان رسیده و در شرایطی که قیمت دلار آزاد ۴۷۸ تومان بوده ارزش نقدینگی به رقم ۲۴.۳۸ میلیارد دلار افزایش یافته است. در ادامه با مینا قرار دادن این ارقام برای دولت اصلاحات، در پایان این دولت مقدار نقدینگی به رقم ۶۸,۵۸۷ میلیارد تومان رسیده و در شرایطی که قیمت دلار به ۹۰۴ تومان افزایش یافته ارزش نقدینگی ۷۵.۸۷ میلیارد دلار شده است. با بررسی روند افزایش قیمت دلار در بازار آزاد برای این دو دولت می توان نتیجه گیری کرد که جهش های ارزی در این دو دوره آنگونه که در دو دولت اخیر بوجود آمده، رخ نداده است. افزایش ارزش نقدینگی با روندی متعادل و بصورت تقریباً خطی با شیب ملایم بوده که به نوعی نشانگر بهبود برخی فاکتورهای اقتصادی نسبت به قبل بوده است.

نکاتی در مورد نرخ دلار و محاسبه ارزش کنونی آن با دو روش نسبت تورم و نسبت نقدینگی

اگر جدول های قبل را از منظر دیگری بررسی کنیم نتیجه می گیریم که در دو دولت سازندگی و اصلاحات از ابتدا تا انتهای دو دوره یعنی در ۱۶ سال قیمت دلار تقریباً ۶.۴۱ برابر شده که بطور متوسط سالانه ۱۲ درصد افزایش داشته است. اگر همین محاسبه را برای دوره ۸ ساله دولت مهرورزی و دوره ۵ ساله دولت اعتدال انجام دهیم، قیمت دلار تقریباً ۱۰ برابر شده است که بطور متوسط سالانه ۲۰ درصد افزایش داشته است.

اگر بخواهیم این ارقام را بطور جداگانه محاسبه کنیم قیمت دلار در بازار آزاد در زمان دولت سازندگی ۳.۳۹ برابر شده که بطور متوسط سالانه ۱۶.۵ درصد افزایش داشته است. قیمت دلار در بازار آزاد در زمان دولت اصلاحات ۱۰.۸۹ برابر شده که بطور متوسط سالانه ۸.۳ درصد افزایش داشته است. که در میان دولت های پس از جنگ تحمیلی بهترین رکورد تا اکنون است. همچنین قیمت دلار در در زمان دولت مهرورزی ۳.۶۹ برابر شده که بطور متوسط سالانه ۱۷.۷ درصد افزایش داشته است. قیمت دلار در بازار آزاد در زمان دولت اعتدال تا کنون ۲.۹۴ برابر شده که بطور متوسط سالانه ۲۴ درصد افزایش داشته است. این ارقام برای دولت اعتدال نشان دهنده این واقعیت است که باید هر چه سریعتر به فکر مهار مقدار نقدینگی و دفاع از پول ملی باشند تا بدترین آمار را از خود بجای نگذارند. آنها ۳ سال وقت دارند تا این وضعیت را بهبود بخشند.

نگارنده، مقاله ای در سال ۱۳۹۲ با عنوان قیمت عادلانه برای دلار نگاشتم که در سایت فرارو با عنوان "محاسبه نرخ واقعی ارز به روش ریاضی" منتشر شد که در آن روش محاسبه تورم مرکب برای سالهای متمادی و نیز محاسبات دلار را تشریح کردم. اکنون فقط به اختصار محاسبات دلار را با روش نسبت تورم و نسبت نقدینگی در اینجا می آوریم. با روش نسبت تورم ایران به ایالات متحده برای سالهای ۹۲ تا کنون با پایه قرار دادن دلار ۳۴۰۰ تومان رقم ۴۸۷۵ تومان برای دلار به دست می آید. اما با روش نسبت نقدینگی و پایه قرار دادن دلار ۳۴۰۰ تومان رقم ۸۴۰۸ تومان برای نرخ دلار به دست می آید که البته این رقم بدون لحاظ

رشد اقتصادی بوده است. اعمال این رقم در عرض ۶ ماه برای اقتصاد کشور شکننده بوده و رکود تورمی را به شدت تعمیق خواهد کرد. هر چند که رقم های بیشتر و حتی تا ۱۱۰۰۰ تومان برای دلار ثبت شده است که قسمتی از این فشارها به دلایل اعمال تحریم ها و مشکلات سیاست خارجی است. ما در محاسبات خود از این ارقام استفاده می کنیم.

بررسی اجمالی تاثیر جهش های ارزی بر صنایع و جذب سرمایه گذار خارجی

جهش های ارزی تاثیرات خاصی را روی نحوه تولیدات، صادرات و فروش صنایع مختلف می گذارند. صنایعی مانند خودرو سازی که نیاز به واردات قطعه و تکنولوژی دارند در این شرایط مجبورند قطعات و تکنولوژی را با قیمت بالا وارد کنند و این موضوع باعث افزایش هزینه های تولید و افزایش قیمت محصولات خواهد شد. در شرایطی که عمده بازار این صنایع بازار داخلی است و از طرفی به دلیل بالا رفتن سطح قیمت های عمومی در کالاهای مختلف، توان خرید عمومی تضعیف شده است و این مسئله موجب رکود در آن بازار خواهد شد. رکودی که در سالهای گذشته در صنعت خودرو سازی داشتیم از این نمونه بود.

برای برخی صنایع که در داخل محصولاتی را تولید و به خارج صادر می کنند وضعیت به نظر کمی مطلوب است. اما این صنایع در کشور ما انگشت شمار هستند و به تنهایی موجب بهتر شدن اوضاع اقتصادی کشور نخواهند شد. مخصوصاً اینکه اگر نرخ دلار با یک شیب مشخص و کم افزایش پیدا کند شرایط شاید کمی بهتر شود اما وارد شدن تکانه های قیمتی شدید اوضاع عمومی را در قدرت خرید تضعیف می کند. بعنوان مثالی واضح در بازار خشکبار مثلاً پسته را در نظر بگیرید. قیمت دلاری پسته در سطح جهان ثابت است برای مثال فرض کنید قیمت این محصول برای هر کیلو ۱۵ دلار باشد. زمانی که دلار ۴۰۰۰ تومان است در داخل این محصول حداکثر تا ۶۰۰۰۰ تومان معامله می شود. اما وقتی نرخ ارز ۹۰۰۰ تومان باشد، قیمت این محصول لاجرم تا ۱۳۵۰۰۰ تومان بالا خواهد رفت. دلیل واضح این است که یک صادر کننده چرا باید محصول خود را در داخل با قیمت قبلی ۶۰ هزار تومان باید بفروشد در حالیکه در خارج از کشور می تواند با فروش به قیمت ۱۵ دلار و فروش دلار به قیمت ۹ هزار تومان، ۱۳۵ هزار تومان به دست بیاورد؟

قیمت بنزین را در نظر بگیرید. زمانی که قیمت بنزین در داخل هر لیتر ۱۰۰۰ تومان است و قیمت دلار ۴۰۰۰ تومان، می شود گفت قیمت هر لیتر بنزین ۲۵ سنت است که نسبت به بازارهای خارجی ارزان است و ممکن است موجب قاچاق بشود اما وقتی قیمت دلار تا ۹۰۰۰ تومان افزایش پیدا کند، قیمت بنزین به حدود ۱۱ سنت نسبت به بازارهای خارجی کاهش می یابد که مسئله قاچاق را تشدید می کند. در اینجاست که مسئولین محترم با ادبیاتی طلبکارانه این موضوع که قیمت انرژی در ایران ارزان است، را بیان کرده و به دنبال طرحهایی برای اصلاح و افزایش قیمتها خواهند بود.

در حالت کلی از آنجائیکه در کشور ما تولیدات هنوز به خوبی پا نگرفته اند و نیاز به واردات تکنولوژی و سرمایه گذار داریم قطعاً ادامه چنین سیاست ارزی نمی تواند موجب گشایش باشد و بلکه موجب سرمایه گریزی و عدم تعامل شرکتهای خارجی با ما خواهد شد. بعنوان مثالی دیگر فرض کنید یک سرمایه گذار زمانی که دلار در کشور ۴۰۰۰ تومان است می خواهد یک میلیارد دلار سرمایه وارد کشور ما کند، مقدار سرمایه تومانی این شخص برابر با ۴ هزار میلیارد خواهد بود. با جهش قیمت ارز دلار تا حدود

۹۰۰۰ تومان ارزش دارایی این شخص به کمتر از نصف یعنی حدود ۴۴۵ میلیون دلار تنزل می یابد. فکر کنید در وضعیتی که یک واحد پولی همواره ارزش خود را از دست میدهد، چه کسی حاضر به سرمایه گذاری بر اساس این پول خواهد بود؟

نتیجه گیری

نتایج مهمی که از این بحث ها به دست می آید :

(۱) مهمترین دلیل تورم و کاهش ارزش پول ملی افزایش بی رویه مقدار نقدینگی است. مهمترین دلیل افزایش نقدینگی به شکل بی رویه پرداخت سودهای بسیار بالا و غیر واقعی برای سپرده های بانکی است. اگر یک بررسی بر روی صنایعی که در بورس فعال هستند داشته باشیم اکثر صنایع در ایران با P/E بسیار بیشتر از رقم ۵ کار می کنند به این معنی که قادر نیستند سود ۲۰ درصد و یا حتی ۱۵ درصد را تولید کنند و حتی اغلب صنایع مانند خودروسازها، قطعه سازان و بانکها با زیان شدید مواجه هستند و این در حالی است که همین بانکهای زیانده در کشور به راحتی سود بالای ۲۰ درصد از محل نامعلوم و واهی پرداخت می کنند. در این وضعیت سوال مهم این است که کدام صنعتی در کشور می تواند در مقابل نرخ بهره بانکی توجیه اقتصادی داشته باشد؟ آیا این سیاست به زبان بی زبانی به مردم اعلام نمی کند که دست از کار و فعالیت و سرمایه گذاری و حمایت از صنایع مختلف برداشته و بیایند در بانک سپرده گذاری کنند؟ اثرات معنوی، فرهنگی و اقتصادی چنین سیستم بانکی چه می تواند باشد بغیر از خسران؟ امروز برای اینکه نقدینگی در بازارها وارد و موجب تورم نشود مدیران بانکی و بانک مرکزی نقدینگی را در بانکها با پرداخت سود سپرده زیاد حبس کرده و سال به سال آنرا فربه تر می کنند و برای اینکه نمی توانند سیاست بهتری را طراحی و جایگزین کنند رفته رفته نقدینگی بیشتر تولید می کنند و سالهای بعد همین روال و دور و تسلسل ادامه پیدا می کند. در مرحله بعدی نوبت آن است که از طریق جهش های ارزی ارزش پول ملی کاهش یابد تا دولت بتواند به نقدینگی مسلط شود. در این مورد ما در کشور با مشکل خودساخته ای مواجه هستیم که حل آن با ادامه همان سیاستها مقدور نخواهد بود. وضعیت زمانی برای جامعه وخیم تر می شود که عمده قسمت سود پرداخت شده به حساب ۲.۵ درصد ثروتمند جامعه واریز می شود و این مشکل را برای طبقات عمومی مردم بغرنجتر می کند و تورم و فشار مضاعف را به مردم تحمیل می کند. اگر افزایش نقدینگی از طریق تولید ثروت با توجه به رشد اقتصادی و سایر مولفه های اقتصادی صورت بگیرد به منزله افزایش ثروت عمومی است.

(۲) در یک سیستم اقتصادی بسته و دولتی امکان ارائه طرح هایی برای بهبود وضعیت تا حدود زیاد غیر ممکن خواهد بود. هر چند که سیاست های کلی اعلام شده در اصل ۴۴ مردمی سازی و خصوصی سازی اقتصاد را مطرح می کند اما بهانه های مختلف ضد و نقیض و بی توجهی ها و کم کاری هایی در جهت اجرای این سیاستها وجود داشته است. مشارکت دادن هر چه بیشتر مردم در اقتصاد مزایای زیادی دارد که مهار نقدینگی به طریق از کار انداختن ماشین تولید نقدینگی در سیستم بانکی و سایر بخش ها می تواند یک نمونه باشد. در شرایطی که دولت از زیاد بودن مقدار نقدینگی که خود

تولید می کند آه و فغان به راه انداخته است در طرفی دیگر نقدینگی در میان بخشهای مختلف صنایع و بازار با کمبود مواجه است. در مطلبی که در سایت خبر آنلاین منتشر شده [۵] آمده است " بیش از نصف نقدینگی در اقتصاد ایران فعال است و فعال شدن نیمی دیگر به تورم منجر می شود" بعبارت دیگر نصف نقدینگی کشور در سیستم اقتصادی کشور کار آیی ندارد در حالیکه در کشور سالهاست رکود اقتصادی حکمفرماست و در صنایع مختلف نیاز به نقدینگی وجود دارد. برای مثال در صنعت توریسم به سرمایه گذاری هنگفتی نیازمندیم در حالیکه اغلب تکنولوژی مربوط برای توسعه در این زمینه در داخل کشور وجود دارد.

۱۳ بی اعتمادی به پول ملی موضوعی است که بعد از تورمها و کاهش مداوم ارزش پول ملی رخ می دهد. در این شرایط مردم به جای سرمایه گذاری در بخش های مولد - که به دلیل سیاست های انحصاری در اقتصاد چنین فضایی وجود ندارد- به سمت بازارهای ارز و طلا سرازیر می شوند و فکر می کنند که به اصطلاح خریدن ارزهای خارجی مانند یورو و دلار و همچنین طلای آب شده و سکه و نگهداری آنها در زیر لحاف و تشک و گاو صندوق خانه بسیار اقتصادی تر از نگهداری آن پول به شکل ریال در بانکهاست. ریشه این بی اعتمادی در سیاست های اقتصادی بسته و نقدینگی انبوه آفرین و تورم زا است. متأسفانه همین بی اعتمادی نسبت به پول ملی در خود بانکها هم وجود دارد و همین موضوع باعث می شود بانکها و برخی نهادهای دیگر مانند سازمان تامین اجتماعی و بیمه ها برای حفظ ارزش داراییهای خود به سمت بنگاهداری و دلالی ارز و طلا و املاک و ساختمان هدایت شوند. مهمترین گامی که دولت ها برای اصلاح سیاست های اقتصادی بایستی بردارند حمایت از ارزش پول ملی و تشبیه ارزش آن است. بعد از این کار می شود بانک ها و سایر نهادهایی که با پول ملی کار می کنند دستور صریح و شفاف جهت خروج از بنگاهداری و دلالی ساختمان و املاک و طلا و ارز را صادر نمود. اینکار با توجه به درآمدهای کافی ارزی به راحتی مقدور است. دولت می تواند سیاست هایی را اجرا کند که ارزش پول ملی در طول سالهای مدید تقریباً ثابت بماند. اینکار در اقتصادهای پیشرفته دنیا معمول است. بعد از اجرای چنین سیاستهایی جذب سرمایه گذاران خارجی مخصوصاً ایرانیان خارج نشین که اغلب ثروتمند هستند به راحتی مقدور خواهد بود. مدیران بانک مرکزی و بانکها باید این نکته را به خوبی متوجه بشوند که دفاع از پول ملی کشور دفاع از پرچم ایران است. همانگونه که یک سرباز برای دفاع از پرچم، خون سرخ خود را نثار کرده و شهید می شود، مدیران باید از پول ملی و ارزش آن دفاع کنند تا پرچم اقتصادی کشور زیر پای بیگانگان و خیانت پیشه گان قرار نگیرد. اینکار اولین پایه و اقدام مهم برای پایه گذاری یک اقتصاد سالم و قدرتمند و مردمی است.

۱۴ تولید نقدینگی بغیر از بانکها از طرق دیگری می تواند اتفاق بیافتد. یک مورد کمبود منابع دولت در بودجه و استقراض از بانک مرکزی است. برای غلبه بر چنین وضعیتی بغیر از اتکاء صرف به درآمدهای نفتی و برای کاهش سرعت تولید نقدینگی کسب درآمدهای مالیاتی کافی برای دولت یک اصل اساسی است که در این زمینه موفقیتهایی در دولت کنونی به دست آمده است که بایستی ادامه یابد و پرداخت مالیات از طرف فعالان اقتصادی به دولت به یک ارزش تبدیل شود و فرار مالیاتی در کشور مورد مزمت قرار گیرد. اصولاً دولت باید از طریق رونق بخشیدن به اقتصاد و دریافت مالیاتهای عادلانه کشور را حتی بدون منابع نفتی اداره کند.

۵) در خرج کردن ثروتهای ارزی که عاید دولت می شود باید نهایت دقت و عدالت صورت بگیرد. از قرار دادن ثروتهای عمومی با مبالغ سنگین در اختیار افراد خاص بایستی جلوگیری شده و با هر گونه فساد در این زمینه برخورد شود. تشکیل طبقاتی از نوکیسه هایی که از طریق دریافت منابع ارزی و انتقال آنها به خارج و ریخت و پاشهایی که انجام می گیرد در نابود شدن منابع ارزی و بی پشتوانه شدن پول ملی نقشی مهم دارد که بایستی نقطه پایانی بر این نوع رفتارها گذاشته شود.

پیشنهادات

این پیشنهادات در سطح ایده اولیه هستند و می توانند مورد بررسی اقتصاددانان عزیز کشور و دولت و مجلس محترم قرار گیرند. دولت محترم با عنایت به این پیشنهادات می تواند مشکلات داخلی را حل کرده و از خود یادگاری بزرگ بجا بگذارد.

۱) اولین گام برای اصلاح اوضاع اقتصادی تقویت پول ملی است. در این زمینه به دو سیاست نیازمندیم.

الف) اصلاح واحد پولی. مردم ایران از اینکه واحد پولشان ارزش چندانی نداشته و صفرهای زیادی دارد چندان رضایت و حس خوبی ندارند. اصلاح واحد پولی و مقداری خرج سلیقه می تواند موجب انتقال انرژی مثبت و روحیه خوب برای مردم شود و محاسبات را ساده تر کند. برای اینکار ۴ صفر از پول حذف می شود و مثلاً ۱۰۰۰۰ ریال که همان ۱۰۰۰ تومان است تبدیل به ۱ تومان جدید می شود. ریال جدید بعنوان واحد کوچکتر در محاسبات و معاملات خرد استفاده می شود و ارزش آن یک صدم یک تومان جدید معرفی می شود. که معادل ۱۰ تومان فعلی خواهد شد این مورد با بررسی بازارهایی مثل بورس که مقادیر خرد در آن کاربرد دارد پیشنهاد می شود. واحد اصلی پول که تومان جدید است در میان مردم هم اکنون تا اندازه ای کاربرد دارد بعنوان مثال به هشتاد هزار تومان می گویند هشتاد تومان. اینکار محاسبات را ساده و روان خواهد کرد، بعنوان مثال به جای اینکه بگوییم در کشور هزار و ششصد هزار میلیارد تومان نقدینگی داریم خواهیم گفت هزار و ششصد میلیارد تومان نقدینگی داریم. با اینکار تقریباً ارزش پول به اوایل انقلاب باز خواهد گشت. حذف صفر و تبدیل واحد به بزرگتر هرگز به تنهایی نمی تواند ارزشی برای پول ملی بیاورد. اما حداقل غرور ملی را احیا می کند.

ب) برای حفظ ارزش پول ملی نیازمندیم که یک پشتوانه مشخص برای آن معرفی کنیم. با قرار دادن ارزش دلار در قیمت ۸۰۰۰ تومان در کشور مقدار نقدینگی در سطح ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد بود. (دلیل اینکه دلار ۸۰۰۰ تومانی را در محاسبات مبنا قرار می دهیم مشکلات سیاست خارجی و تحریم ها هستند که دست دولت را برای ارائه دلار ۵۰۰۰ تومانی که مطابق محاسبه به روش نسبت تورم به دست می آید، می بندد و اگر کشور در شرایط بهتری از این حیث قرار بگیرد اجرای این سیاست می تواند با دلار ۵ و حتی ۴ هزار تومانی صورت بگیرد). برای استحکام پول ملی نیاز است که مقادیری از ذخایر ارزی و ذخایر طلای بانک مرکزی را پشتوانه پول ملی قرار دهیم که البته به این معنا نیست که دلار و ارز را حراج کرده و منابع ارزی را خالی کنیم. در این مرحله به تمامی افرادی که در بانکها سپرده

دارند به جای پرداخت سود سپرده - که بعداً بر اثر کاهش ارزش پول ملی از بین خواهد رفت - طرحهایی را برای حفظ ارزش پول آنها پیشنهاد می کنیم. ارزش سپرده ها را بر اساس طلا و یورو - حذف دلار در این مورد مفید است - محاسبه کرده و حواله هایی را در اختیارشان قرار می دهیم. بعنوان تشویق می شود حواله سکه های بدون حساب پیشنهاد کرد و بانک مرکزی متعهد می شود پول افراد سپرده گذار را در زمان بازپرداخت بر اساس ارزش ارز مربوطه و یا طلا بازپرداخت کند. با این روش هم ارزش پول ملی در دراز مدت حفظ می شود و هم سیستم بانکی از پرداخت سود سپرده های کلان معاف می شود. در حقیقت پیشنهاد ما مبتنی بر این است که نرخ سود سپرده به سمت صفر حرکت کند که در این حالت ربا از قاموس بانکهای کشور حذف می شود و بانکها تنها با کامزد بانکی کار خواهند کرد که توصیه مراجع عظام نیز همین است. پرداخت سود برای سپرده های کوتاه مدت متوقف خواهد شد و این سیاست فقط برای طرح های بلند مدت اجرا خواهد شد. اجرای این سیاست در صورت جلب اعتماد عمومی بسیار راحت خواهد بود و در بدترین شرایط نیاز به ۱۰۰ میلیارد دلار ارز و طلا خواهد بود که با توجه به درآمدهای ارزی دولت مقدور خواهد بود. با ادامه این سیاست و مشخص شدن اثرات مثبت آن در بین مردم اعتماد به بانک مرکزی و پول ملی افزایش خواهد یافت و سکه ها و طلاها و ارزهایی که در خانه ها نگهداری می شوند روانه بازار خواهند شد.

۲) اصلاح ساختاری نظام بانکی در گام دوم باید مورد توجه قرار گیرد. دولت باید در مورد بانکها دو سیاست را اجرا کند. اول اینکه بانکها را تا جائیکه مقدور است ادغام کند. بانکهای دولتی کوچک در هم و بانکها و موسسات کوچک خصوصی را در بانکهای بزرگ خصوصی و دولتی می شود ادغام کرد. مطمئناً وجود بانکهای زیاد در کشور هیچ کمکی به اقتصاد نمی تواند بکند. دومین سیاست می تواند این باشد که دولت تمام اموال و دارائیهای مازاد - همچنین بدهی ها و طلب های آنها به خود - در بانکهای دولتی را تصاحب کرده و از طریق فروش آنها به سپرده گذاران و اعطای سرمایه جدید به بانکها به آنها کمک کند تا با سیستم جدید شروع بکار کنند. در حقیقت با اینکار فروش اموال بانکها به سپرده گذاران فعلی بعنوان یک سیاست دیگر معرفی می شود. شرایط تأسیس بانکهای جدید بایستی سختگیرانه و با دقت فراوان همراه باشد تا بی انتظابی هایی که در سالهای اخیر مشاهده کردیم تکرار نشود.

۳) اجرای سیاستهای اصل ۴۴ مبنی بر واگذاری دارایی های دولتی به بخش خصوصی. همزمان و در ادامه طرح های فوق باید به این موضوع پرداخته شود که چگونه مبالغی که بصورت سپرده هستند به سمت سرمایه گذاری هدایت شوند. با توجه به اینکه نیمی از نقدینگی در کشور کاربرد ندارد باید با واگذاری تعدادی از صنایع و داراییها به افراد سپرده گذار، خصوصی سازی اتفاق بیافتد. در این حالت فضای اقتصادی کشور بزرگتر خواهد شد و دولت از طریق فروش قسمتی از دارائیهای خود به افراد سپرده گذار می تواند نقدینگی های اضافه را تصاحب کند. واگذاری شرکت های هواپیمائی، شرکت های راه آهن و قطار، کشتی رانی ها، اعطای امتیاز احداث جاده ها و بزرگ راهها، واگذاری عمده قسمت شرکتهای پالایشگاهی و پتروشیمی و سایر صنایع که در دست دولت هست، واگذاری کلی صنعت خودروسازی به بخش خصوصی و اعمال سیاستهای صحیح برای واردات و ایجاد نوعی رقابت با خودروهای خارجی، اقداماتی است که دولت

می تواند با واگذاری حداکثر حدود ۱۰۰ میلیارد دلار از اموال به بخش خصوصی، هشتصد هزار میلیارد تومان نقدینگی را جذب کند. با توجه به آماری که در منابع خبری مختلف [۶] منتشر شده است، آقای اکرمی که -که امروز بعنوان سرپرست وزارت اقتصاد معرفی شده است- بعنوان خزانه دار کل کشور می گوید: «اکنون ۳۵۰ هزار ملک دولتی شناسایی کرده و در سامانه سادا ثبت کرده‌اند. اعداد مربوط به اموال دولت عدد عجیب و غریبی دارد. در حالی این اموال ارزشی معادل چندین هزار هزار میلیارد تومان دارد که کل بودجه عمومی کشور ۳۴۶ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. تصور کنید که به عنوان دولت یا حاکمیت اموالی داریم که رقمش سر به فلک می‌زند ولی از آنها استفاده نمی‌کنیم.» در اسلایدی که اکرمی در آن پروژه مولدسازی اموال دولتی را تشریح می‌کرد رقم ۱۸۳ هزار هزار میلیارد تومان برای ارزش دارایی‌های دولتی برآورد شده بود. بنابراین با توجه به ارزش دارایی‌های دولت ایران اجرای طرح‌های فوق به آسانی آب خوردن برای دولت محترم است. دولت می تواند به مرور از بنگاهداری خارج شود و اقتصاد را به مردم که صاحبان اصلی آن هستند واگذار کند و تنها به دولتمداری و کسب درآمد از مالیات و صادرات منابع ملی مانند نفت و گاز و ... اکتفا کند. اینکار می تواند در مراحل و فازهای چندگانه صورت بگیرد. اما نباید از نظر زمانی به درازا بکشد چون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ به اندازه کافی به عقب افتاده است و مردم هم از نظر معیشتی در مشکلات هستند.

(۴ الف) بسیار ضروری است قسمتی از درآمدهایی که دولت از محل اجرای اصل ۴۴ به دست خواهد آورد، برای اجرای عدالت و تقویت طرف تقاضا در اقتصاد که مردم هستند در نظر گرفته شود. می دانیم که مدتهاست دولت نتوانسته برای جوانان تحصیلکرده کار ایجاد کند که موجب نارضایتی در سطح کشور و ایجاد مشکلات شدید معیشتی برای خانواده ها شده است. ازدواج‌ها به تأخیر افتاده، سبک زندگی مردم در حال دگرگونی بوده و وضعیت موجود موجب فرار مغزها و مهاجرت جوانان آینده ساز این کشور به کشورهای بیگانه شده است. مطابق آمارهایی که در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است [۷] «در حدود ۳ میلیون و ۲۵۸ هزار نفر بیکار بوده اند که از این میان، ۱۴۶۲۹۹ نفر بی سواد، ۱۱۸۵۲۹۴ دارای مدرک دانشگاهی و مابقی دارای سطح سواد ابتدایی تا دیپلم و پیش دانشگاهی بوده اند. در میان یک میلیون و ۱۸۵ هزار بیکار دارای مدرک دانشگاهی، اکثر آنها فارغ التحصیل دوره لیسانس هستند به طوری که در سال گذشته ۷۹۷ هزار تحصیلکرده لیسانس بیکار بوده اند. همچنین ۲۲۴ هزار نفر فوق دیپلم، ۱۵۸ هزار نفر فوق لیسانس و دکترای حرفه ای و ۵۱۷۵ نفر دارای دکترای تخصصی هم سال گذشته بیکار بوده اند.» دولت می تواند برای هر تحصیلکرده فاقد شغل مبلغ ۳۰ الی ۱۵۰ میلیون تومان سهام از اموال دولتی از طریق بورس سهام اعطا کند. این مقادیر با توجه به تحصیلات افراد برای مدرک دکتری تخصصی ۱۵۰ میلیون تومان، فوق لیسانس و دکتری حرفه ای ۱۰۰ میلیون تومان، لیسانس ۷۰ میلیون تومان، فوق دیپلم ۵۰ میلیون تومان، دیپلم و پایین تر ۳۰ میلیون تومان، بی سواد جویای کار ۲۰ میلیون تومان باشد. هر کسی که از چنین امکانی برخوردار شود در استخدام های دولتی از اولویت برخوردار خواهد بود. اینکار موجب دلجویی از بابت بی توجهی های گذشته شده و اندکی موجب جبران مافات می شود همچنین افراد تحصیلکرده

به ماندن در کشور ترغیب شده و می توانند به آینده امیدوار باشند. اجرای این سیاست به مقدار سهام با ارزش تقریبی ۱۴۴ تریلیون (هزار میلیارد) تومان نیاز دارد که ارزش دلاری آن با دلار ۸۰۰۰ تومانی حدود ۱۸ میلیارد دلار است که یک چهارم صادرات نفت و گاز یک ساله نیست. (مطمئناً این رقم در برابر اختلاس ها و فسادهایی که در یک دهه اخیر اتفاق افتاده رقم کلانی نیست. دولت محترم از بیت المال فقط ۳۰ هزار میلیارد تومان از بابت فسادهای بانکی به سپرده گذاران تقدیم کرده است.) اجرای این سیاست در حقیقت به این معناست که دولت قسمتی از سهام را به جوانان اعطا می کند و آنان حق فروش سهام خود را در بازار سهام دارند که این پول از محل دارائی سپرده گذاران فعلی در بانکها تأمین می شود و محدودیت برداشت سالانه مثلاً ۲۰ درصد - تا جائیکه اقتصاد کشور اجازه دهد- برای آن وجود دارد. در جدول زیر محاسبات لازم ارائه شده است.

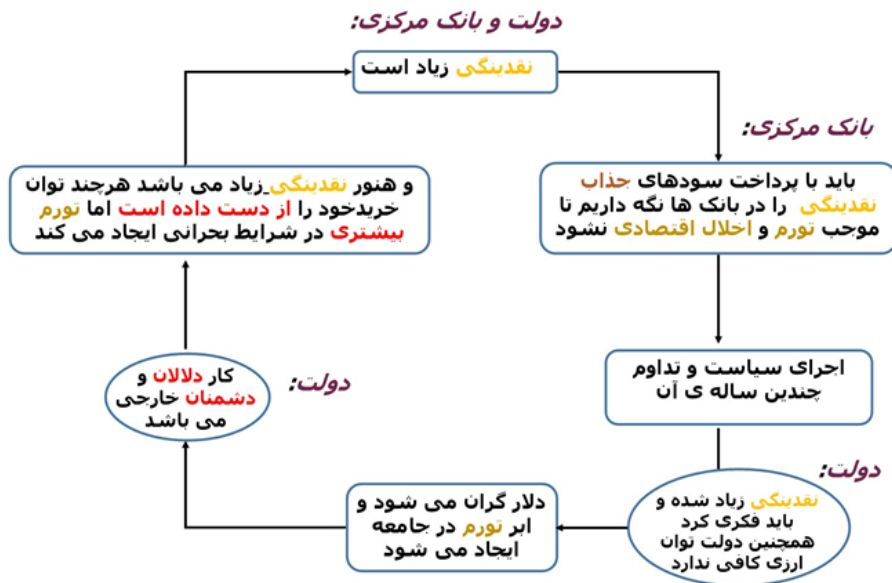
دکتری	5,175	150,000,000	776,250,000,000
فوق لیسانس و دکتر حرفه ای	158,000	100,000,000	15,800,000,000,000
لیسانس	797,000	70,000,000	55,790,000,000,000
فوق دیپلم	224,000	50,000,000	11,200,000,000,000
دیپلم و پایین	1,922,351	30,000,000	57,670,530,000,000
بی سواد	146,299	20,000,000	2,925,980,000,000
جمع کل	3,258,000		144,162,760,000,000

ب) در ادامه دولت با مورد توجه قرار دادن صنعت بورس می تواند در این زمینه با حمایت از معامله گران و ایجاد صنف برای معامله گران و صدور پروانه مخصوص معامله گری و دریافت حق بیمه تامین اجتماعی شغلهای زیادی را ایجاد کند. این افراد می توانند با گذراندن دوره ها و دریافت پروانه معامله گری در بورس، معامله کنند و سهام خود را در بازار عرضه کنند. این افراد می توانند سالانه مثلاً ۲۰ درصد از دارائی های اعطا شده به آنان را بصورت نقدی از بورس خارج کنند. این مبلغ بغیر از سودهای سالانه سهام و سودهای حاصل از معاملات است.

ج) تشکیل صندوق سرمایه گذاری قوی در بورس از طریق جذب سپرده های سپرده گذاران کنونی و حمایت های کافی از صندوق های موجود در روان شدن معاملات کمک شایانی می کند. ارزش سهام موجود در بورس از طریق اجرای اصل ۴۴ و واگذاری از طریق بورس به سپرده گذاران فعلی بانکها می تواند - علاوه بر ایجاد جذابیت و تقویت بورس و افزایش اعتماد و اعتبار آن در سطح جهان و شایسته نام ملت شریف ایران - تا چند برابر افزایش یابد.

د) بعنوان سیاستی دیگر پرداخت وام های کم بهره - که بعد از اجرای سیاستهای مطرح شده کاری آسان خواهد بود - موجب افزایش توان خرید مردم خواهد شد.

ه) قانونی تصویب و اجرا شود که به مانده حسابهای دولتی، حکومتی، خصولتی و برخی اشخاص حقوقی نباید سود تعلق گیرد. اینکار اجرای طرح های فوق را تسهیل می کند.



نمودار چرخه ی باطل از دیاد نقدینگی-ایجاد تورم-افزایش نرخ ارز-کاهش ارزش پول ملی

مأخذ

[۱]: روزنامه خراسان، «۸۵ درصد سود بانکی در جیب ۲.۵ درصد سپرده گذاران»، چاپ روز چهارشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۷

[۲]: سایت اقتصادگردان، نرخ تورم و گرانی در چهل سال بعد از انقلاب و ... ، تاریخ انتشار ۲۰ فروردین ۱۳۹۱ (این مطلب در سال ۹۷ بروز رسانی شده است)

[۳]: روزنامه دنیای اقتصاد، سه دهه با روند نقدینگی و تورم، چاپ ۹۱.۰۸.۰۷

[۴]: سایت خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، "مردم در بانکها چقدر سپرده دارند؟" تاریخ انتشار ۱ مرداد ۱۳۹۷

[۵]: سایت خبری خبر آنلاین، نقدینگی ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومانی قابل کنترل است؟ تاریخ انتشار دوشنبه ۵ شهریور ۱۳۹۷

[۶]: سایت خبرگزاری دانشجویان ایران ایسنا، ارزش دارایی های بلااستفاده دولت سر به فلک می زند ، تاریخ انتشار ۳۰ مهر ۱۳۹۶ همچنین سایت بورس پرس، ارزش ۱۸۳ هزار هزار میلیارد تومانی دارایی های دولت، تاریخ انتشار ۳۰ مهر ۱۳۹۶

[۷]: سایت خبری مشرق نیوز، ۳۶ درصد بیکاران، فارغ التحصیل دانشگاهند، تاریخ انتشار ۷ آذر سال ۱۳۹۶